

شیوه های تربیت فرزند از دیدگاه نهج البلاغه

اشرف پناهی^۱ و دکتر یحیی نورالدینی اقدم^۲

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

آدرس ایمیل: a.panahi.f@gmail.com

۲. استاد دانشگاه پیام نور. ایران

چکیده

تربیت فرزند از بنیادی ترین مسائل تربیتی شمرده می شود و سنگ زیرین تربیت های بعدی است، به همین جهت در دین مقدس اسلام، سخنان معصومین، مخصوصاً امیرمؤمنان سخت بر این امر تکیه و تأکید شده است. تربیت اخلاقی از مهم ترین اهداف بعثت انبیا بوده است و جایگاه ویژه ای در فرهنگ اسلامی، به ویژه سیره معصومین علیه السلام دارد. این بحث، به ویژه مورد توجه خاص امام علی علیه السلام قرار گرفته و کمتر خطبه یا نامه ای از نهج البلاغه را می توان یافت که در آن حضرت سخن از مسایل اخلاقی به میان نیاورده باشد. از این روست که تربیت افراد جز با اهتمام به تربت اجتماع و ایجاد تحولات در راهبردهای تربیتی به درستی ممکن و میسر نیست، چرا که زمینه بسیاری از کجرویها، انحرافات، ناسازگاریها و انحطاطهای اخلاقی که در سطح وسیع روزگار حال و آینده نسل بشر را تهدید می کند، حاصل اجتماع و محیط ناسالم است. به تبع برخوردار بودن انسان از ابعاد گوناگون، تربیت نیز ابعادی دارد که شامل تربیت اخلاقی، دینی، عاطفی، جسمی، اجتماعی و ... می شود. این مقاله به بیان روش ها و راهکارهای علمی و عملی تربیت بر اساس دیدگاه های امام علی (ع) در نهج البلاغه پرداخته و در ارائه راهکارها و شیوه ها به ابعاد عاطفی و درونی انسان ها توجه بسیاری شده است. پرداختن به این نوع نگرش ها در تمام شیوه ها از جمله الگوبرداری و پیشگیری، تذکر و یادآوری، محبت و مدارا، عبرت آموزی و بصیرت آفرینی و بالأخره عفو، تغافل و تشویق و تنبیه به منظور تربیت انسان، نیاز عاطفی و مقتضای فطرت انسان ها است که از دیدگاه های گوناگون قابل بحث است.

واژه های کلیدی: تربیت، دیدگاه، امام علی (ع)، نهج البلاغه.

۱. مقدمه

از تأمل در اهتمام دین اسلام به همه ابعاد وجودی انسان از جمله روح و جسم، فطرت و عقل، توجه ویژه آن به بلوغ فکری و رشد انسان و تربیت و تزکیه او و ارائه برنامه ای فراگیرتر از مکاتب بشری، به غنای واقعی آن می توان پی برد؛ چنان که خداوند تزکیه را جزء اهداف اصلی بعثت پیغمبر خود و انسان را موجودی توانا و مسئول می داند. تربیت باید مایه دینی بیابد تا ناقص و صوری و بی دوام نماند و بتواند خُلق و سیرت افراد و اعتماد و ایمان و باور آنها را اصلاح و تکمیل کند. کار عمده تربیت اسلامی این است که آدمی را به ماهیت وجودی و هدف خلقت خود آگاه سازد تا با تکیه بر عقل و مقتضای فطرتش بر اساس راه و روشی حرکت کند که برای او تبیین شده است. در روش الگویی که بیشتر صورت رفتاری مطرح است و غالباً بر اساس فطرت انسان تدوین یافته، نقش مؤثر الگویی رسول اعظم (ص) و ائمه اطهار (ع) برای خانواده ها به عنوان الگوهای مجسم و علمای عامل بر مبنای همان ویژگی ها، در خور توجه است. از آن جا که اسلام، دین آگاهی بخش و هدایت است و در تمام راه کارهایش پیشگیری را بر درمان مقدم می شمرد، روش کنترل و پیشگیری به ویژه در بعد تربیتی از دوران کودکی در اجتماع انسانی و خانواده را بسیار مهم دانسته، بر آن تأکید می ورزد. پس از آن، روش موعظه و تذکر به عنوان غذای روح و لازمه فطری انسان و سپس محبت و مدارا که به مثابه اکسیر جان انسان ها و با طبع بشر سازگار است و روش های عبرت آمیز، بصیرت آفرینی و تشویق و تنبیه (عفو و تغافل) مورد اهتمام قرار گرفته است. مسأله اصلی تحقیق حاضر بررسی و مطالعه و تجزیه و تحلیل تربیت فرزند از دیدگاه امام علی (ع) می باشد و همچنین اهمیت تحقیق حاضر از آنجایی ناشی می شود که در این پژوهش به بخشی از راهکارهای تربیت فرزند از دیدگاه حضرت علی (ع) اشاره خواهیم کرد. بی شک، هر پژوهشگری منصفی با مطالعه راهکارهای تربیتی آن حضرت بر روز بودن آن اذعان خواهد کرد. لذا سوالاتی که در این تحقیق پیش می آید عبارتند از:

۱. تربیت فرزند از دیدگاه امام علی (ع) چه اهمیتی دارد؟
۲. تربیت از دیدگاه امام علی در چه خطبه هایی بیان شده است؟
۳. امام علی (ع) برای تربیت فرزند از چه شیوه هایی بهره جسته است؟
۴. از میان فضایل و رفتارهای اخلاقی مطرح شده در نهج البلاغه، کدام بیش تر مورد تأکید و اهتمام حضرت بوده و چه شیوه هایی برای تقویت و پرورش آن ها بیان شده است؟

۲. روش و قلمرو پژوهش

روش این مقاله اسنادی است و جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای انجام شده است. برای رسیدن به هدف مقاله، کتاب های مختلف تربیت فرزند از جمله نهج البلاغه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

۳. پیشینه تحقیق

۱. ستاره موسوی در مقاله ای با عنوان «روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه و ارائه الگویی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات» در سال ۱۳۹۴، برای کاربردی روش های تربیتی در عصر فناوری اطلاعات آموزشی امروز الگویی ارائه نموده است.
۲. محمدعلی افخمی اردکانی در پایان نامه ای با عنوان تبیین مبانی، اصول و روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه به بررسی مبانی، اصول و روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه پرداخته شده است.

۴. شیوه های تربیت فرزند از دیدگاه امام علی (ع)

از ویژگی های برجسته حضرت علی (ع) اهتمام فراوان ایشان به تربیت فرزندان است. این اهتمام، در تربیت فرزندان چون امام حسن (ع) امام حسین (ع) و حضرت زینب (ع) به خوبی آشکار است. سخنان آن حضرت درباره شیوه های دینی و درست تربیت فرزند، سند دیگری بر اهتمام آن امام بزرگوار به پرورش اسلامی و انسانی فرزندان است. بی گمان، سیره و سخن آن حضرت درباره تربیت فرزند، بهترین الگو برای همه پدران و ماداران است که به تربیت فرزندان صالح و شایسته می اندیشند. پی آمد پیروی از این الگو، داشتن فرزندان آراسته به ویژگی های اخلاقی- رفتاری فرزندان علی (ع) است که مانند فرزندان آن حضرت، هم در دنیا خوشبخت و بلند آوازه خواهند بود و هم در آخرت.

۵. تربیت پذیر بودن فرزندان و اهمیت تربیت از دیدگاه امام علی (ع)

از دیدگاه حضرت علی (ع) فرزندان انسان تربیت پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه ها و اصول تربیتی آگاه باشند، از این ویژگی و تربیت پذیر بودن انسان به خوبی بهره می برند و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه های علمی و معنوی یاری می رسانند. آن حضرت بر اساس اصل «تربیت پذیر بودن انسان»، یکی از حقوق فرزندان بر پدر را، تربیت شایسته فرزند می داند و می فرماید: «حق الولد ان یحسن اسمه و یحسن ادبه و یعلمه القرآن؛ حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او برگزیند و به خوبی ادب و تربیتش کند و به وی قرآن بیاموزد». آن حضرت در کلامی دیگر فرموده است: «ما نحل والد ولداً نحلأ افضل من ادب حسن؛ هیچ پدری به فرزندش، موهبتی مانند تربیت نیکو نبخشیده است.» آن حضرت در سخنی در این باره، به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: «فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک و یشغل لبک؛ پیش از آنکه قلب تو دچار قساوت و اندیشه ات سرگرم [امور بیهوده] شود، به تربیت تو پرداختم». محصول تربیت های خانوادگی، سجایای اخلاقی یا صفات ناپسندی است که جوانان به آنها متخلق می شوند و بر اساس همان صفات، با مردم رفتار می نمایند. در آیین مقدس اسلام، تربیت صحیح فرزندان، یکی از وظایف مسلم والدین است و جزو تکالیفی است که مورد پرسش خداوند قرار می گیرد. درحقیقت، جسم و جان طفل، به موازات یکدیگر ساخته می شوند. همان گونه که بدن کودک با تغذیه صحیح و مراقبت های بهداشتی، به سرعت رشد می کند و راه قوت و نیرومندی را می پیماید، روان فرزند و طفل نیز می تواند از تعلیم و تربیت صحیح، تغذیه کند و با قوت و سلامت روح، به کمالی که سزاوار آن است، برسد و برای یک زندگی خوب و سعادت بخش آماده شود. پدران و مادران نیز باید از فرصت گران بهای کودکی فرزندان خود و اصل تربیت پذیر بودن آنها به خوبی استفاده کنند و اساس سعادت و خوشبختی آنان را برای همه دوران عمر، پی ریزی نمایند.

۶. علی (ع) و دغدغه تربیت فرزند

تا موضوع «تربیت فرزند» به دغدغه ای در ذهن پدر و مادر تبدیل نشود، نمی توانند فرزندان خویش را به درستی تربیت کنند. پدر و مادری که دغدغه تربیت فرزند ندارند، یا از تربیت فرزندان خویش باز می مانند یا تربیت فرزندان خود را ناتمام می گذارند یا آنها را نادرست تربیت می کنند. بنابراین، باید پیش از اقدام به تربیت فرزند، پدر و مادر در این باره، دغدغه ای وجود داشته باشد. دغدغه تربیت فرزند، پدر و مادر را نسبت به فرزندان خویش مسئولیت پذیر می کند، آنها را به کسب آگاهی درباره تربیت فرزند و او می دارد و مانع از دست دادن فرصت ها برای تربیت فرزند می شود (قائمی، ۱۳۶۳).

نامه ۳۱ نهج البلاغه که راهکارهای تربیتی حضرت علی (ع) به فرزند بزرگوارش امام حسن (ع) است، نمونه ای آشکار از دغدغه آن حضرت درباره تربیت فرزند خویش است. آن حضرت به دلیل دغدغه فراوان خویش در این باره، این نامه را در حال بازگشت از جنگ صفین در میانه راه نوشته است. ایشان به تأخیر انداختن بیان توصیه های تربیتی خویش به امام حسن (ع) را پس از رسیدن به خانه، نوعی از دست دادن فرصت و سهل انگاری در تربیت دانسته است. از این رو، در راه نامه ای را نگاشته و آن را پیش از بازگشت به خانه، برای فرزندش امام حسن (ع) فرستاده است. «آری آن که می خواهد فرزندش نیکو ساخته شود، باید همیشه در صحنه تربیت حاضر باشد و این هشدار است که باید به والدین گفت که اگر امروز به فرزندان خویش نرسیم، چه بسا امکان رسیدگی به طفل در فردا دیر خواهد شد. این جای تأسف است که اشتغالات مربیان و والدین به گونه ای شده است که اغلب، ارتباط آنها با فرزندان را سطحی و بی ریشه کرده است. پدرها تنها وقتی به خانه می آیند که کودک خوابیده است و صبح ها به هنگامی سرکار می روند که باز هم او خوابیده و یا خواب آلود است. عده ای زنان یا مردان، می توانند با درآمد متوسطی زندگی کنند و از فرصت به جای مانده استفاده کرده، به پرورش فرزندان بپردازند. اما میل به داشتن زندگی مرفه و جاذبه های لوکس موجب می شود، وقت فراوانی را به کار در بیرون از خانه اختصاص دهند و در نتیجه، از تربیت فرزندان باز مانند. این خود نشانه آن است که آنها از دغدغه چندان نسبت به تربیت فرزندانشان برخوردار نیستند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). نقل است پیش از آن که سقراط را محاکمه کنند، از وی پرسیدند: بزرگ ترین آرزویی که در دل داری، چیست؟ گفت: «بزرگترین آرزوی من این است که به بالاترین مکان آتن صعود کنم و با صدای بلند به مردم بگویم: ای دوستان! چرا با این

حرص و ولع، بهترین سال های زندگی خود را به جمع آوری ثروت می گذرانید، در حالی که آن گونه که باید و شاید، به تعلیم فرزندانان همت نمی گمارید؛ فرزندان که مجبور خواهید شد ثروت خود را برای آنها باقی بگذارید» (حکیمی، ۱۳۷۳).

۷. علی (ع) و جلب اعتماد علمی و تربیتی از سوی فرزندان

از عواملی که فرزند را به پیروی از شیوه های تربیتی پدر و مادر علاقه مند می کند، اطمینان فرزند به آگاهی پدر و مادر درباره تربیت فرزند و توانایی آنها در این زمینه است. بنابراین، پدر و مادر باید اعتماد فرزندان خود را جلب و خیال آنها را درباره توانایی های خویش در زمینه تربیت آسوده کنند. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، این گونه اعتماد امام حسن (ع) را به خویش جلب می کند: «پسر! اگر چه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده ام، ولی در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثار شان سیر کردم، تا آنجا که گویی یکی از آنها شده ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا تا پایان عمرشان با آنان بوده ام. پس قسمت های روشن و شیرین زندگی آنان را از قسمت های تیره آن شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زبان بارش شناسایی کردم. سپس از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته های آنان را دور کردم. پس ابا دانشی فراوان و اندوخته هایی انبوه، آن گونه که پدری مهربان نیکی ها را برای فرزندش می پسندد، من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبی ها تربیت کنم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). «در حقیقت، حضرت علی (ع) با بیان این سخنان می خواهد بگوید: اگر می خواهید کسی را تحت تربیت بگیرید، اول باید اعتماد علمی او را به خود جلب کنید، تا کسی که مورد تربیت قرار می گیرد، بداند که با چه کسی روبه رو است و آیا او قابلیت تربیت نمودن را دارد یا نه؟ اگر شنونده و متربی چنین اعتمادی به مربی خود داشته باشد، به حرف هایش توجه خواهد کرد، اما اگر نداند که با چه کسی روبه روست و چه کسی در صدد تربیت او بر آمده و او را نصیحت می کند، به سخن او به طور دقیق گوش نمی دهد و دل نمی سپارد و از پندهای وی استفاده نمی کند؛ یعنی درست بودن آن را درک نمی کند و در مقام عمل نیز درست و دقیق بدان عمل نمی کند. حضرت علی (ع) در این سخنان، اندوخته ها، آگاهی ها و تجارب ارزشمند خویش را به فرزندش گوشزد می کند تا مخاطب به ایشان به عنوان یک انسان عادی نگاه نکند، بلکه بداند کسی به ارشاد و راهنمایی وی روی آورده است که حاصل عمر همه گذشتگان را در اختیار دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸).

«بنابراین، اولاً بدون آگاهی از راه و رسم تربیت، نمی توان به سازندگی و پرورش فرزند پرداخت. کودکان در مراحل مختلف رشد خود، به راهنمایی ما نیاز دارند و باید براساس ضوابط و مقرراتی، اقدام به اصلاح آنها شود و مربی باید راه و روش های لازم را بداند؛ چرا که بدون آگاهی نمی توان به امر تربیت پرداخت. حتی گاه آگاهی نداشتن، موجب وارد آمدن آسیب هایی بر روان کودک می شود. ثانیاً آنچه در اصلاح و تربیت کودک مهم است، این است که والدین باید نظر و اطمینان کودکان را به خود جلب کنند تا تصمیم های آنان درباره فرزندانشان مؤثر باشد. چه نیکوست که کودک نسبت به آگاهی و توانایی والدین، در امر تربیت اعتماد کنند و بدانند که والدین، خواهان خیر و سعادت او هستند و آنچه را انجام می دهند، به خاطر آسایش و خیر اوست. ضروری است که کودک درک کند والدین او افرادی هستند صمیمی، فداکار، آگاه و دارای تجربه که دغدغه خوشبختی او را در سر دارند و به هنگام اوقات تلخی ها، قصد ندارند که کودکشان را بیازارند و به او آسیبی برسانند، بلکه انگیزه شان از برخورد های تندی که گاهی ممکن است با آنها داشته باشند، خدمت و تربیت آنان و به دنبال آن، رشد و تعالی آنان است. پس برای آنکه فرزندان، به همه رفتارهای والدین با آنها خوش بین و برای تمام رفتارهای آنان، توجه مثبتی داشته باشند، باید والدین، اعتماد سازی کنند و اطمینان آنان را به طور کامل به سوی خویش جلب نمایند» (قائمی، ۱۳۶۳).

۸. حضرت علی (ع) و تربیت فرزند با کمترین هزینه

پدر و مادری که به موقع به تربیت فرزند بپردازند، زحمت و هزینه کمتری را متحمل خواهند شد؛ زیرا تربیت فرزند در دوران خردسالی و نوجوانی و حتی جوانی، بسیار آسان تر از تربیت فرزند در دوران میان سالی است. پدر و مادر باید بدانند هر چه فرزندشان بزرگ شود تربیت او دشوارتر می شود؛ چرا که گذشت زمان، ریشه ویژگی های ناپسند را در دل آدمی استوارتر می سازد و در نتیجه، کندن این ریشه ها نیز سخت تر می شود. پس هر چه والدین، زودتر و به موقع زمام پرورش کودک را در دست گیرند، هم آسان تر به هدف خویش دست می یابند و هم زحمت کمتری خواهند کشید و هزینه کمتری خواهند

پرداخت. یکی از دانشمندان در این باره معتقد است: «معمولاً تربیت درست، از همان آغاز کودکی، بر خلاف تصور خیلی‌ها چندان دشوار نیست. هر پدر و مادری می‌تواند از پس دشواری‌های این کار برآید و تربیت درستی به فرزندش بدهد، ولی تربیت دوباره، از زمین تا آسمان با این متفاوت است. اگر فرزندان را بد بار بیاورید، اگر در تربیتش کوتاهی کنید، آن وقت باید خیلی چیزها را اصلاح کنید و از نوبسازید و این اصلاح و تربیت دوباره، کار چندان ساده‌ای نیست؛ چرا که همراه با زحمت و هزینه بیشتری خواهد بود. تربیت دوباره، قدرت، آگاهی و حوصله‌ای می‌خواهد که از حد توان خیلی از پدر و مادرها خارج است. اغلب، پیش می‌آید که خانواده از پس دشواری‌های تربیت دوباره بر نمی‌آید، حتی بر فرض هم که تربیت دوباره به جایی برسد و شخص به کار و زندگی مشغول شود و همه از جمله پدر و مادرش با دیدن او خشنود شوند، در این میان، چیزهای زیادی از دست رفته است و اگر این فرد از همان اول، درست بار می‌آمد، از زندگی بهره بیشتری می‌برد و با توان و آمادگی بیشتری وارد جامعه می‌شد و در نتیجه، خوشبخت‌تر بود. [از این رو،] به پدران و مادران توصیه می‌شود همیشه به خاطر داشته باشند که فرزندان خود را چنان تربیت کنند که مجبور نشوند چیزی را اصلاح کنند. باید همه چیز از همان اول درست انجام شود» (ماکارنکو، ۱۳۸۱).

حضرت علی (ع) با آگاهی از اهمیت به موقع تربیت فرزندان، از پدران و مادران می‌خواهد که پیش از آن که کار تربیت فرزندانشان دشوار گردد و گرفتار انحراف و فساد شوند، به تربیت آنها همت گمارند و هیچ فرصتی را از دست ندهند. آن حضرت در نامه خویش به فرزندش امام حسن (ع) در این باره چنین می‌فرماید: «پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن، بی‌نیاز ساخته‌اند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

«بی‌گمان، دوران جوانی، زمان مناسبی برای موعظه و تربیت است؛ زیرا دل جوان مانند زمین بکر و کاشته نشده‌ای است که هنوز بذری در آن پاشیده نشده و آمادگی کشتن را دارد. حال اگر در چنین زمینی علف‌های هرزه بروید یا قبلاً بذر دیگری در آن کاشته باشند، کشت بذر جدید در آن، بسیار دشوار است و هرگز مثل گذشته، سریع و کم زحمت رشد و نمو نمی‌کند. قلب جوان چنین حالتی دارد، صاف و پاک است و افکار و عقاید نادرست در آن رسوخ نکرده است و صفات ناپسند، هنوز در قلب جوان جوانه نزده یا اگر هم آلودگی دارد، خیلی سطحی است. به همین دلیل، برای تعلیم و تربیت، کاملاً آماده است، اما وقتی انسان پا به سن گذاشت، ایجاد تغییر در او خیلی مشکل است و زحمت و هزینه فراوانی خواهد داشت، مانند زمینی که علف‌های هرزه در آن روییده و بذره‌های گوناگونی در آن کاشته‌اند و از انواع علف‌های هرزه و نباتات و گیاهان پر شده است که وقتی در آن زمین بذر گل بکارند، زود رشد نمی‌کند و چه بسا علف‌ها و نباتات روییده در آن زمین، مانع از رشد آن می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸).

بنابراین، اگر در اثر سهل‌انگاری مربی، دل جوان به ناپاکی‌ها و ویژگی‌های ناشایست آلوده شود، اصلاح وی زحمتی دو چندان می‌طلبد، چرا که اولاً باید آن آلودگی‌ها را بزداید و ثانیاً با تلاشی پیگیر، معارف صحیح را به او بیاموزد و جایگزین عقاید انحرافی او کند». بر همین اساس، حضرت علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «پیش از آن که خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت تو مشکل گردد، به تربیت تو اقدام کردم؛ چرا که قلبنوجوان مانند زمین کاشته نشده‌ای است که آماده پذیرش هر بذری است که در آن کاشته می‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۹. استفاده از فرصت‌ها

از هشدارهای حضرت علی (ع) به والدین، استفاده از فرصت‌ها پیش از نابودی آنهاست. پدر و مادر مسئولیت پذیری که دغدغه تربیت فرزند خویش را دارند، از همه فرصت‌ها برای تربیت وی بهره می‌گیرند چه بسا در فرزند زمینه تربیت وجود داشته باشد، ولی پدر و مادر فرصت یا توان این مهم را از دست بدهند و در نتیجه، نتوانند آن گونه که دلشان می‌خواهد، به تربیت فرزندشان همت بگمارند. حضرت علی (ع) در این باره به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «پسر! هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی ام رو به کاستی رفت، به نوشتن [این نامه] وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو برشمردم؛ پیش از آن که اجلم فرا رسد و رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم و پیش از آنکه در نظرم کاهشی پدید آید،

چنان که در جسمم پدید آمده است و پیش از آن که در تو زمینه پذیرش از میان برود» (قائمی، ۱۳۶۳). این سخن حضرت علی (ع) به ما می آموزد که اگر برای ما زمینه کار خیری فراهم شد و وقت انجام دادن آن فرا رسید، کوتاهی و سهل انگاری نکنیم؛ زیرا ممکن است در آینده زنده نباشیم یا توان انجام این کار را نداشته باشیم. برای مثال، ممکن است بیماری و ناتوانی یا هزاران مانع دیگر، ما را از انجام وظیفه باز دارد. در حقیقت، حضرت علی (ع) درسختن خویش، چند مانع اساسی در راه تربیت فرزند را برای ما بازگو می کند: ۱. فرا رسیدن اجل؛ ۲. از دست دادن سلامت و قوت فکر؛ ۳. از بین رفتن زمینه مناسب.

۱۰. تربیت همه جانبه فرزند

در وجود انسان انگیزه ها و گرایش هایی است که برخی از آنها از جنبه جسمی او سرچشمه می گیرند و برخی از بعد روح اش. در حقیقت، انسان هم نیازهای مادی و جسمی دارد و هم نیازهای معنوی و روحی. والدین موفق کسانی هستند که به هر دو نیاز فرزند توجه کنند و با برآوردن نیازهای روحی و جسمی او، هم به پرورش روح او اهتمام ورزند و هم به پرورش جسمش. بنابراین، هم پدران و مادرانی که تنها به تربیت جسمانی فرزند خویش همت می گمارند، در انجام وظیفه خویش کوتاهی کرده اند و هم پدران و مادرانی که تنها به پرورش روحی فرزند خود توجه می کنند. «باید بدانیم که از یک سو، برای داشتن یک کودک سازگار و متعادل، ناگزیریم که وضع بدنی او را تحت مراقبت قرار دهیم و در حفظ و تقویت آن بکوشیم؛ چرا که ما برای انجام کارهای مفید و ضروری زندگی، به سلامت جسمانی و قدرت بدنی نیازمندیم و غرایز و استعدادها نیز در سایه رشد و پرورش بدنی سالم، بهتر تعدیل می یابند. از سوی دیگر باید بدانیم که وظیفه اصلی خانواده، تنها تغذیه و پرورش جسمی کودک نیست، بلکه رشد و پرورش روحی و روانی او نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این نکته در خور توجه است که به علت ناآگاهی و سهل انگاری های والدین نسبت به تربیت روحی و روانی فرزند، نه تنها زمینه بروز انواع ناهنجاری ها و بزه ها در فرزند به وجود می آید، بلکه چه بسا نابسامانی های روانی، خود، موجب بیماری های جسمانی آنان می شود و در نتیجه، جسم و روحی بیمار خواهند داشت» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲).

حضرت علی (ع) به عنوان بهترین الگو در تربیت فرزند، هم به تربیت روحی فرزند سفارش کرده است و هم به تربیت جسمی او. آن حضرت به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: «پسرم! آیا تو را چهار نکته نیاموزم که به کمک آنها از طب بی نیاز شوی؟» گفت: «چرا، امیرمؤمنان!» حضرت فرمود: «تا گرسنه نشدی، بر سر سفره منشین؛ تا کاملاً سیر نشدی، دست از غذا بکش؛ غذا را خوب بجو و پیش از خواب، رفتن به دستشویی را فراموش مکن» (معتزلی، ۱۳۸۸).

۱۱. حضرت علی (ع) و تربیت فرزند برای آینده نه برای حال

فرزندان ما از آن آینده هستند و آینده نیز شرایطی متفاوت با زمان حال دارد. بنابراین، باید فرزندان خویش را با توجه به رویدادها و شرایط حاکم بر آینده تربیت کنیم و آنها را مطابق با آینده پرورش دهیم. حضرت علی (ع) در حدیثی زیبا در این باره می فرماید: «لاتتقسروا لادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ فرزندانان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آنها برای [آینده و] زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند» (کانت، ۱۳۸۸).

بر این اساس، والدین می توانند به نیکوترین و بهترین شکل فرزندان خویش را تربیت کنند تا آینده نگر باشند و رخدادهای آینده را پیش بینی و فرزندان خود را متناسب با رخدادهای پیش بینی شده آینده، تربیت کنند. کانت می - نویسد: «یکی از اصول تعلیم و تربیت که همواره باید مورد توجه دست اندرکاران برنامه های تربیتی باشد، این است که کودک نباید تنها بر حسب وضع فعلی نوع بشر پرورش یابد، بلکه باید او را براساس شرایط آینده تربیت کرد. معمولاً والدین، فرزندانان را تنها برای اینکه با شرایط موجود زندگی سازگار باشند، تربیت می کنند و حال آنکه می بایست به آنان تعلیم و تربیت مناسب تری داد تا بتوانند فرزندان آینده باشند» (خمینی، ۱۳۸۹).

جبران خلیل جبران نیز می گوید: «فرزندان شما به حقیقت، فرزندان شما نیستند. آنها دختران و پسران زندگی اند در سودای خویش. این جوهر حیات است که به شوق دیدار خویش هر دم از گوشه ای سر بر می کند. آنها از کوچه وجود شما می گذرند، اما از آن شما نیستند و اگر چه با شمایند، به شما تعلق ندارند. عشق خود را بر آنها نثار کنید، اما اندیشه هایتان را برای خود نگه دارید؛ زیرا آنها را نیز برای خود، اندیشه ای دیگر است. جسم آنها را در خانه خود مسکن دهید، اما روح آنها را به آینده

واگذارید؛ چرا که روح آنها در خانه فردا زیست خواهد کرد که شما حتی در رؤیا نیز نمی-توانید به دیدار آن بروید. ممکن است تلاش کنید که شبیه آنان باشید، ولی مکوشید که آنان را مانند خود بار بیاورید؛ زیرا زمان به عقب باز نخواهد گشت و با دیروز درنگ نخواهد کرد. شما کمانی هستید که از چله آن، فرزندانان چون تیرهای جاندار به آینده پرتاب می شوند. کماندار - که همان پروردگار هستی باشد- نشانه را در بی نهایت می بیند و با قوت، شما را خم می کند تا تیرهایش با شتاب به دور دست پرواز کند. بگذارید فشار این خم شدن، با شادمانی همراه باشد؛ زیرا کماندار هم تیرهای پرشتاب و روبه آینده را دوست دارد و هم ثبات و استحکام کمان را» (خلیل جبران، ۱۳۷۸).

۱۲. جایگاه وراثت در تربیت فرزند از دیدگاه حضرت علی (ع)

از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی باید تربیت فرزند را آغاز کرد؟ حکیم گفت: «بیست سال پیش از تولد فرزند و اگر به نتیجه لازم نرسیدند، معلوم می شود که باید زودتر از آن شروع می کردید» (سادات، ۱۳۸۹). بنابراین، سخن حکیمانه، در تربیت فرزند نباید از نقش «وراثت» غافل ماند؛ زیرا بخشی از هنجارها یا ناهنجاری های اخلاقی، از راه وراثت به فرزند منتقل می شود. بر این اساس، دلیل سفارش های فراوان دین اسلام به جوانان، به برگزیدن همسری پرهیزکار و با ایمان، به خوبی آشکار می شود. از آنجا که ویژگی های اخلاقی و شخصیتی پدران و مادران به فرزندان منتقل می شود، جوانان باید برای فرزندان آینده خویش، پدر یا مادری که از نقش وراثت در تربیت فرزند آگاه هستند، پیش از آنکه صاحب فرزند شوند و حتی پیش از ازدواج، سرزمین جان و دل خویش را از ناپاکی ها می زدایند و وجودشان را به پاکی ها می آریند تا آنچه به فرزندان آینده شان از راه وراثت منتقل می شود، خوبی و پاکی باشد، نه بدی و ناپاکی. بی شک، آنگاه که دو انسان به عنوان پدر و مادر آینده، از سال ها پیش از ازدواج، قلب و جان خویش را از ناپاکی ها و صفات ناپسند می پیرایند و روح خود را به اخلاق نیکو می آریند، در حقیقت، بخشی از سلامت روح و روان و تربیت کودک آینده خویش را از پیش تأمین می کنند. «در آموزش های دینی ما شواهدی وجود دارد که انتقال زمینه-های روحی و اخلاقی را از والدین به فرزندان تأمین می کند. بنابراین، کودکی که امروز به دنیا می آید، زمینه های گوناگون ارثی را با خود به همراه دارد و در واقع، بذره های اولیه شخصیت کودک را باید در وجود والدین جست و جو کرد. تمایلاتی که امروز در وجود زن یا مردی شکل می گیرد و به تدریج، به خلق و خوی ثابت تبدیل می شود، زمینه ساز پیدایش این تمایلات در فرزندان است که در آینده از آنها به وجود خواهند آمد» (همان).

در این داستان، نقش وراثت در فرزندان به خوبی آشکار است: «محمد حنفیه، فرزند حضرت علی (ع) در جنگ جمل علمدار بود. حضرت علی (ع) به او فرمان حمله داد و او حمله کرد، ولی دشمن با ضربه های نیزه و تیر، جلوی او را گرفت و وی از پیشروی باز ماند. حضرت علی (ع) خود را به او رساند و فرمان حمله داد و فرمود: «از ضربه های دشمن مترس!» محمد حنفیه اندکی پیشروی کرد، ولی دوباره متوقف شد. علی (ع) از ضعف فرزند خویش آزرده خاطر شد و با قبضه شمشیر به دوشش کوید و فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت به ارث بردی و من که پدر تو هستم، ترسی ندارم و اگر تو مادری چون فاطمه زهرا داشتی، نمی ترسیدی» (فلسفی، ۱۳۷۸).

«بشر دیر زمانی است به این نکته پی برده که موجود زنده، بسیاری از ویژگی های خود را به نسل بعد منتقل می کند و درحقیقت، نسل بعد، وارث صفات نسل گذشته است. یک بذر گل، همه ویژگی های ساقه، برگ، گل و رنگ نهالی را که از آن به وجود آمده، در خود حفظ می کند و پس از سبز شدن، همه آنها را یکی پس از دیگری به نمایش می گذارد. یک هسته زردآلو نیز همه صفات درختی را که از آن به وجود آمده است، در بردارد و وقتی آن را بکارند و رشد کند، به تدریج همه آن صفات را بروز خواهد داد. فرزند یک انسان آفریقایی نیز در سیاهی پوست و پیچیدگی مو و ساختمان بینی و رنگ چشم مانند پدر و مادر است و همچنین فرزند یک اروپایی در صفات پوست و چشم و مو و بینی، مانند پدر و مادر خویش است. خلاصه آن که یکی از قوانین مهم در جهان موجودات زنده، قانون وراثت است. به موجب این قانون، فرزندان بدون کوچک ترین اختیاری، صفات و ویژگی های پدران و مادران را فرا خواهند گرفت». گفتنی است که «کودکانی که صفات موروثی آنها خوب و پسندیده است و در سرشت خود، احساسات و عواطف مطبوعی دارند، تربیت آنها آسان است و به زودی می توانند صفات نیکو و ویژگی های پسندیده را فرا گیرند و انسانی شایسته بار آیند، ولی کودکانی که صفات موروثی و ساختمان عاطفی آنها بد و ناپسند

است، در پرورش و تربیت آنها مراقبت های بیشتر و دقیق تری لازم است» (همان). حضرت علی(ع) با توجه به تأثیر قانون وراثت بر فرزندان می فرماید: «یاکم و تزویج الحمقاء؛ فان...ولدها ضیاع؛ از ازدواج با شخص احمق و کم خرد بپرهیز که فرزند او [از نظر اخلاقی] تباه شده خواهد بود» (کلینی، ۱۳۶۹).

۱۳. ابعاد تربیت از دیدگاه و سیره امام علی (ع)

انسان موجودی است که از ابعاد گوناگون برخوردار است و به تبع آن تربیت نیز ابعادی دارد که خود به اقسامی تقسیم می گردد: تربیت اخلاقی، تربیت دینی، تربیت جسمانی، تربیت اجتماعی و... در سیره تربیتی نخستین امام شیعیان نیز این ابعاد و انواع تربیت مورد توجه واقع گردیده با بررسی کامل و مفصل هر یک از این ابعاد و انواع، نیازمند ارایه یک مقاله مستقل و بلکه یک کتاب است ولی از آنجا که موضوع این مقاله، عام بوده و امکان بررسی مفصل هر کدام در این مقاله وجود ندارد، به ناچار به صورت اشاره و گذرا بدان نظر می افکنیم:

الف. تربیت دینی

مراد از تربیت دینی محدوده خاصی است، هر چند تربیت دینی به یک معنا بسیار عام و گسترده است و شامل همه ابعاد وجودی انسان می گردد، اما در اینجا، مراد از تربیت دینی، مقابل تربیت اخلاقی، اجتماعی و سایر ابعاد است و عمدتاً حوزه مربوط به عقاید و احکام عبادی از دین را شامل می گردد. تربیت دینی به این معنا در سیره تربیتی امام علی (ع) از اهمیت خاصی برخوردار است و در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. نماز

یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی و بلکه مهمترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات، نماز است. نماز بزرگترین فریضه الهی و پیش درآمد قبولی سایر اعمال و عبادات است. علی (ع) در طول عمر با برکتشان زیباترین جلوه ها را در نماز به نمایش گذاشتند، او در حالت جنگ و صلح، بیماری و سلامت، در خانه و مزرعه، بر مسند حکومت و خانه نشینی ۲۵ ساله و در همه حالات و شرائط، نماز مهمترین عمل او بود و فرزندان خود را بدان سفارش می نمود. در وصیتی به امام حسن (ع) و تمامی خانواده و فرزندان آنها را به نماز سفارش کرده می فرماید: «از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره نماز زیرا که نماز بهترین کارها و ستون دین شماس» (رسولی محلاتی، ۱۳۸۶). او نه تنها خود و فرزندانش به نماز اهمیت می دادند که همه پیروان و شیعیان خود را به تعلیم نماز به فرزندان و سعی در تشویق آنان به مداومت بر آن، فرا خوانده اند. آن حضرت فرمود: «علموا صیسانکم الصلوه و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم؛ در کودکی به فرزندان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وا دارید» (خوانساری ۱۳۷۳). فریضه نماز در تربیت دینی چنان مهم است که حتی در پیش از بلوغ، تنبیه مختصر فرزند به خاطر ترک آن، روا دانسته شده است. علی (ع) خطاب به یکی از اصحاب فرمود: «کودکان اهل خانهات را با زبان به نماز و طهارت تادیت نما و وقتی به سن ده سالگی رسیدند، آنان را بر ترک آن، تنبیه بدنی نما، ولی از سه بار بیشتر تجاوز نکنند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷). نکته قابل توجهی که در این دو حدیث وجود دارد، توجه حضرت به مراحل تربیت و نیز روش آشنا نمودن فرزندان با نماز و اقامه آن است، زیرا در مورد نماز بین دوره کودکی و بلوغ فرق گذاشته اند، در دوره کودکی تا قبل از ده سالگی فقط سفارش به آموزش و تعلیم نماز نموده اند و تنها به اقدام زبانی و سفارش کلامی اکتفا نموده اند، در این مرحله تأکید بر آمادگی و زمینه سازی برای اقامه نماز شده است. اما در سن ده سالگی هر چند هنوز به حد بلوغ نرسیده اما به علت رشد مناسب کودک در این سن و تا حدودی رسیدن به سن تمیز و تشخیص، تأکید عملی بر اقامه نماز است و آن گاه که به سن بلوغ رسیدند تأکید بر واداشتن آنها به نماز و ترک نکردن آن است.

۲. آموزش قرآن

قرآن کتاب آسمانی و مهمترین منبع اسلامی است، قرآن سرچشمه معارف الهی است و در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد. علی (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن (ع) بعد از آن که بر اهمیت تربیت و تسریع در آن تأکید می نمایند، نخستین اقدام خود را تعلیم و آموزش قرآن و معارف و احکام حلال و حرام آن بیان می کند: «... و ان ابتدئک بتعلیم کتاب الله و تاویل و شرایع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه لا اجاوز ذالک بک الی غیره...؛ نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تاویل آن

را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم» (نهج البلاغه نامه ۳۱). همچنین آن حضرت در توصیه به فرزندش محمدبن حنیفه، فرمود: «... بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آنچه در آن است و این که به مقررات و دستورات حلال و حرام آن و امر و نهی آن پایبند باشی. همچنین خواندن قرآن را در شب و روز و هنگام تهجد بر خود لازم بدانی چرا که قرآن عهدنامه‌ای است از سوی خداوند تبارک و تعالی به خلق خود، پس واجب است، بر هر مسلمانی که در هر روزبه عهدنامه خود بنگرد ولو پنجاه آیه باشد» (راجی قمی، ۱۳۷۳).

۳. تعلیم دعا

در تربیت دینی، دعا و درخواست از خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد. دعا ابزاری است که بنده را به خالق پیوند می‌دهد و از طریق آن، نیازهای فردی و درونی خویش را با خداوند قادر متعال در میان می‌گذارد و در پرتو آن به سکون و آرامش نایل می‌آید. علی (ع) در سیره تربیتی خویش به عنصر دعا اهمیت زیادی قائل شده‌اند. آن حضرت هم دعاهایی را به فرزندان خود تعلیم می‌دادند و هم آنان را بر مداومت بر آن توصیه می‌نمودند. امام حسین (ع) می‌فرماید: «پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و بزرگداشت آن توصیه نمودند و سفارش کردند که در هنگام وفاتشان آن را بر کفنشان بنویسم و آن را به خانواده‌ام تعلیم دهم و آنان را بر خواندن آن برانگیزانم» (مجلسی، ۱۳۶۴). هر چند در روایات برای دعا اوقات خاصی بیشتر مورد تاکید قرار گرفته و برخی دعاهای خاص در اوقات خاص وارد شده، اما علی (ع) در سیره تربیتی خود هر فرصت مناسب را مغتنم شمرده و به تعلیم دعا به فرزندانش پرداخته، برای نمونه در هنگام غذا خوردن فرزندش امام مجتبی (ع) را به دعایی همیشگی سفارش نموده و در ضمن آن به نقش تغذیه و سلامتی جسمانی برای انجام عبادات و نیز وسیله بودن غذا برای توان عبادت بیشتر، اشاره می‌نماید؛ آن حضرت فرمود: «فرزندم! هیچ لقمه سرد یا گرمی را مخور و هیچ شربت یا جرعه آبی را منوش الا اینکه قبل از خوردن و آشامیدن، این دعا را بخوانی «اللهم انی اسئلك فی اکلی و شربی السلامه من وعکه والقوه به علی طاعتک و ذکرک و شکرک فیما بقیته فی بدنی و ان تشجعی بقوته علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک ...» (طبرسی، ۱۳۷۰). امام علی (ع) به دلیل اهمیت دعا و نقش آن در تربیت دینی، نه تنها در طول زندگی خویش به فرزندان خود تعلیم دعا می‌نمودند، بلکه در واپسین لحظات عمر خویش و در هنگام احتضار نیز از این امر غافل نبودند، چنان که در همان حالت حساس احتضار به فرزند خویش امام حسن (ع) دعایی را تعلیم نموده‌اند (مجلسی، ۱۳۶۴).

۴. آشنایی با علوم اهل بیت (علیهم السلام)

آشنا نمودن فرزندان با علوم اهل بیت (علیهم السلام) و سخنان و عقاید مربوط به آنان، از جمله عناصر مهم تربیت دینی در فرهنگ شیعی و علوی است. بر والدین ضروری است که ضمن آشنانمودن اجمالی آنان با مذاهب اسلامی عقاید حقه شیعه را به آنان تعلیم دهند و بذر محبت اهل بیت (علیهم السلام) را در دل های آنان بیفشانند و آنان را با معارف غنی، متقن و روشنگر اهل بیت (علیهم السلام) آشنا نمایند. تعلیم معارف و محاسن دانش ناب اهل بیت (علیهم السلام) به فرزندان آنها را در حریم امن عقیده قرار داده و از آثار شوم هجوم عقاید و اندیشه‌های ناپاک مصون می‌دارد. مرحوم صدوق با سند خود در حدیث چهارصدگانه از علی (ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: «علموا صبیانکم من علمنا ما ینفعهم الله به لاتغلب علیهم المرجئه براءیها؛ به کودکان خود آن مقدار از دانش ما که به حال آنان مفید است، تعلیم دهید تا اندیشه و نظر مرجئه بر آنان غالب نگردد» (حرعاملی، ۱۴۱۴ ق).

۵. رعایت آداب و سنن اسلامی در هنگام تولد فرزند

در سیره تربیتی معصومین (علیهم السلام) از لحظه تولد نوزاد، فعالیت های تربیتی آغاز می‌گردد و با این که نوزاد توان بالفعل درک اشیاء و اعمال را ندارد، اما در عین حال انجام برخی آداب و مراسم برای تربیت صحیح او در آینده موثر است، از این رو علی (ع) در ضمن حدیث چهارصدگانه خود به اصحابش، آنان را به انجام این آداب در هنگام ولادت فرزندانشان توصیه نموده‌اند: «... در روز هفتم برای فرزندانان عقیقه نمایید و به مقدار وزن موهای سر فرزندانان نقره صدقه دهید. رسول خدا (ص) نسبت به حسن و حسین و سایر فرزندان این چنین رفتار نمود» (صدوق، ۱۳۹۳) و در قسمت دیگر حدیث می‌فرماید:

«فرزندان خود را روز هفتم ختنه کنید و گرما و سرما را از این کار باز ندارد که این باعث پاکیزگی بدن نوزاد است . . .» (همان).

ب. تربیت اخلاقی

یکی از ابعاد مهم تربیت اسلامی تربیت اخلاقی است. مراد از تربیت اخلاقی اعمال روش ها و به کارگیری اصولی است که در پرتو آنها فرد فضایل اخلاقی را کسب می کند و صفات ردیله را از خود دور می سازد. با مطالعه و بررسی سیره تربیتی امام علی (ع) به خوبی آشکار می گردد که تربیت اخلاقی در کنار تربیت دینی مهمترین و اساسی ترین بعد تربیت بوده، آن حضرت بیشترین تلاش خویش را صرف این دو بعد تربیتی فرزندان کرده است. نامه ها و وصایای آن حضرت به فرزندان گواه صادقی بر این مدعاست. بررسی تربیت اخلاقی فرزندان از دیدگاه امام علی (ع) و سیره آن حضرت، کتابی مستقل نیاز دارد. بدین سبب، تنها برخی از روش های تربیت اخلاقی مورد نظر آن حضرت را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. الگوی عملی بودن

به نظر می رسد مهمترین و کارآمدترین روشی که ائمه (علیهم السلام) در تربیت اخلاقی فرزندان به کار می گرفتند، رفتار عملی آنان بود. آنها خود الگوی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت و فرزندان با دیدن آنها مشق زندگی می گرفتند. سیره تربیتی علی (ع) مملو از رفتارهای عملی است که برای همه سرمشق بود.

۲. موعظه

پند دادن یکی از روش های اخلاقی است که در سیره تربیتی علی (ع) بسیار دیده می شود. آن حضرت در فرصتهای مناسب فرزندان خویش را پند می داد و دل های پاک و نورانی آنان را نورانی ترمی ساخت. روش تربیتی موعظه چنان در سیره تربیتی آن حضرت مهم بود که حتی در بستر شهادت از آن بهره جست. نامه طولانی حضرت به فرزند معصومش از مهمترین جلوه های این روش تربیتی شمرده می شود.

۳. یاد مرگ و قیامت

از جمله روش های تربیت اخلاقی، یاد مرگ و قیامت است. یاد مرگ و قیامت موجب می شود انسان از آرزوهای مادی جدا گردیده، به گناه تن ندهد. علی (ع) در خطبه ها و نامه های همواره مرگ را یادآوری می کرد و به خصوص فرزندان را به فراموش نکردن آن توصیه می فرمود. حضرت ضمن نامه ای به امام حسن (ع) می فرماید: «فرزندم! فراوان به یاد مردن باش و به یاد موقعیتی که در آن قرار می گیری و پس از مردن بدان روی می کنی تا چون بر تو در آید، ساز خویش را آراسته و کمر خود را بسته باشی چنان نباشد که ناگهان مرگ تو را دریابد و بر تو چیره گردد».

ج. تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی از ابعاد مهم تربیت در نظام تربیتی اسلام است. اسلام دین عزلت گزینی و فردگرایی نیست، بلکه علاوه بر توجه به امور فردی، به مسایل اجتماعی نیز توجه ویژه دارد و این یکی از امتیازهای بزرگ دین خاتم است. در سیره معصومان علیهم السلام، به ویژه امام علی (ع)، تربیت اجتماعی از جایگاهی ویژه و با اهمیت برخوردار است. مراد از تربیت اجتماعی مجموعه دیدگاه ها در زمینه روابط اجتماعی و نیز رفتارهای عملی است که امام علی (ع) فرزندان را به آن سفارش می کرد.

۱. تربیت اجتماعی در خانه

آغاز تربیت اجتماعی از جامعه کوچک خانواده است و فرزندان نخستین برخوردهای اجتماعی را در درون خانه تجربه می کنند. رفتار با پدر، مادر، برادران و خواهران ابتدایی ترین ارتباطات اجتماعی فرزندان است. اگر فرزندان بتوانند توافق و سازگاری مناسب داشته باشند و آن را در خانه و با نزدیکان خویش به درستی تجربه کنند، در بیرون از محیط خانه و در اجتماع بزرگتر نیز نقش اجتماعی خود را به درستی ایفا خواهند کرد. در سیره تربیتی امام علی (ع) این نکته مورد توجه بود و آن حضرت با ایجاد رابطه اجتماعی صحیح میان فرزندان خود به تربیت اجتماعی آنان اقدام می فرمود. در روایت آمده است: امام علی (ع) به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمودند: «شما را به تقوای الهی و گرایش و رغبت به آخرت و زهد در دنیا سفارش می کنم. بر

آنچه از دنیا از دست داده‌اید، تاسف نخورید. کار خیر انجام دهید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.» سپس فرزندش محمد را صدا زد و فرمود: «آیا آنچه را به برادرانت سفارش کردم شنیدی؟» او گفت: «آری». فرمود: «شما را نیز به آنها سفارش می‌کنم. بر تو باد به نیکی به برادرانت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و رعایت احترام آنها و شناخت فضل و مقام آنان. بدون نظر آنان کاری انجام مده». سپس به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) فرمود: «شما را به نیکی درباره محمد وصیت می‌کنم؛ زیرا او برادر شما و فرزند پدر شماست. می‌دانید پدرتان پیوسته او را دوست می‌داشت، پس شما نیز او را دوست بدارید».

۲. تربیت اجتماعی خارج از خانه

فرزند در خارج از خانه با اجتماع سر و کار دارد و در پرتو این ارتباط به زندگی اجتماعی خود استمرار می‌بخشد. از این رو نیازمند برقراری ارتباط سالم و عاطفی با دیگران است. علی (ع) در هنگام احتضار، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و محمد بن حنفیه و سایر فرزندان خود را جمع کرد و در پایان وصیت خویش فرمود: «یابنی عاشروا الناس عشره ان غبتم حنوا الیکم و ان فقدتم بکو علیکم؛ با مردم به گونه‌ای معاشرت و ارتباط داشته باشید که اگر از نظرشان دور شدید دل در هوای شما داشته باشند و اگر مرید شدید بر شما بگریند».

۳. میزان و معیار رابطه درست با دیگران

امام علی (ع) در سیره تربیتی خویش برای برقراری ارتباط درست و سالم با دیگران و نیز برخورد با آنها معیار و ملاک کلیدی را به فرزندان خود ارائه فرمود و آن نقش انسان است: «یا بنی اجعل نفسک میزاناً فیما بینک و بین غیرک...؛ فرزندم! خود را میان خویش و دیگری میزان قرار ده، پس آنچه را برای خود دوست می‌داری، برای غیر خود نیز دوست داشته باش و آنچه را برای خود خوش نداری، برای دیگری نیز خوش مدار؛ ستم نکن چنان که دوست نداری به تو ستم شود و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی کنند...».

د. تربیت جسمانی

در سیره تربیتی معصومان علیهم السلام تربیت جسمانی و حفظ تندرستی مورد توجه واقع گردیده؛ جسم مرکب روح و حفظ سلامتی جسم، مقدمه سلامتی روح تلقی شده است.

نتیجه گیری

دین مبین اسلام با توجه به فطریات و استعدادهای نهفته آدمی راهکارهای متعددی را برای نیل به سعادت و آینده ای درخشان ارائه کرده است. خانواده اساسی ترین رکن شکل گیری شخصیت آدمی است و با کمک آن می توان آینده ای روشن را ترسیم نمود و در همین راستا تربیت دینی نقش عمده ی خود را به وضوح نشان داده است. هماهنگی مذهب با فطرت آدمی، اصلی ترین عنصری است که ضرورت تربیت دینی را آشکار می کند و نشانه ی این امر، گرایش غالب انسانها به مذاهب و ادیان در طول تاریخ بوده چنان که با تمام تحولات حیات بشری در سخت ترین شرایط زندگی از کران تا کران جهان، مذهب و دین حضور خویش را در میان مردم به عنوان یک نیروی درونی و غیرمتکی به زور و تزویر حکومت ها حفظ کرده است. وجود ارتباط متقابل میان تربیت دینی و فرآیند اجتماعی شدن در سطح خرد و کلان جامعه گویای اهمیت و تاکید بر لزوم تربیت دینی است. اسلام که دین جامع و کامل در تمام ابعاد است؛ پایه و اساس سعادت بشر را در تربیت دینی عنوان نموده و پیروان خود را به فرا گرفتن آن ترغیب می کند و خود در این مسیر راهنمای همگان است. دیدگاه اسلام به تربیت دینی برای مشخص کردن وظایف و حقوق والدین و فرزندان و در یک طیف وسیع، عوامل تربیت در این امر را بیان می کند. اگر پدران و مادران در مورد این وظایف و حقوق اعمال شده متوجه مسئولیت بزرگ خود باشند در خانواده، محیط مساعدی برای تربیت صحیح فراهم کنند و در ارتباط صمیمی با فرزندان از جمله کودکان، گفتاری پاک و رفتاری پسندیده از خود ارائه دهند و قدم به قدم برنامه های تربیتی را اعمال نمایند، می توانند فرزندى از هر جهت شایسته و لایق تربیت کنند و از این راه اوامر الهی را اجرا نموده و هم چنین وظیفه خود را نسبت به فرزند و جامعه انجام دهند.

منابع و مأخذ

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. افخمی اردکانی، محمدعلی (۱۳۸۴) تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق) وسایل الشیعه، جلد ۱۵، قم: آل‌البیت.
۳. حکیمی، محمود (۱۳۷۳) کتاب هزار و یک حکایت تاریخی، جلد ۲، تهران: انتشارات قلم.
۴. خلیل جبران، جبران (۱۳۷۸) پیامبر، ترجمه: دکتر الهی قمشه ای، تهران: انتشارات روزانه.
۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹) تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.
۶. خوانساری محمد (۱۳۷۳) شرح غرر الحکم و دررالکم، جلد ۴، تهران: موسسه دانشگاه تهران.
۷. راجی قمی، محمد (۱۳۷۳) پنجاهای پدران به فرزندان، تهران: دفتر نشر حسنیه.
۸. رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۸۶) وصایا الرسول و الائمه (علیهم السلام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. سادات، محمدعلی (۱۳۸۹) راهنمای پدران و مادران، جلد ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۳) خصال، ترجمه: یعقوب جعفری، جلد ۱، قم، نسیم کوثر.
۱۱. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰) مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
۱۲. قائمی، علی (۱۳۶۳) والدین و کودک، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۸) کودک از نظر وراثت و تربیت، جلد ۱، تهران: هنت نشر معارف اسلامی.
۱۴. کانت، امانوئل (۱۳۸۸) تعلیم و تربیت، ترجمه: غلام حسین شکوهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی (۱۳۶۹) اصول کافی، جلد ۵، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
۱۶. ماکارنکو، آنتوان (۱۳۸۱) آموزش و تربیت کودکان، ترجمه: محمد جعفر پوینده و سیمین کرمانی نژاد، تهران: ناشر چشمه.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷) میزان الحکمه، جلد ۱، قم: چاپ و نشر دارالحدیث.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۴) بحارالانوار، جلد ۹۱، ۲، ۹۱، تهران: کتابفروشی اسلامی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸) پند جاوید، شرح نامه حضرت علی (ع) به امام حسن (ع)، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۰. معتزلی، ابن ابی‌الحدیدی (۱۳۸۸) شرح نهج‌البلاغه، جلد ۲۰، تهران: نیستان.
۲۱. موسوی، ستاره (۱۳۹۰) روش‌های تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه و ارائه الگویی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، پژوهشنامه معنوی، شماره ۲.